



Res. article

The Study of Semantic Frames and the Way of Expressing Direction in Persian Motion Verbs: Case of “Come” and “Go”

Zolfa Imani¹, Rezvan Motavallian Naeini²✉

1- Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran. 2- Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Received: 2019/10/11

Accepted: 2020/08/04

Abstract

Focusing on the two paths *bala* (=up) and *payin* (=down) and the combination of these two with the motion verbs *rāftān* (=go) and *amādan* (=come), the present research has attempted to make a comparison between the semantic frames of the verbs made out of the two paths in Persian and English so that it can examine the practicality of the FrameNet for describing the Persian language. To this end, a number of 120 sentences including the aforementioned path verbs were extracted from the major Corpus of Bijankhan and then, it was attempted to make a comparison between the semantic frames of each verb with their English counterparts via the FrameNet database. Ultimately, comparing the frames, the authors concluded that for those Persian path verbs which encode path or direction on the prefix adverb of the verb, the FrameNet provides a frame different from their English equivalents. On the other hand, in the current study, the metaphorical relationships of these verbs with other semantic frames were also addressed. The general conclusion was that language-specificity of the relation, the syntactic representation of the verbs, and different encoding of direction are good indication of the necessity of considering linguistic distinctions for additional practicality of the FrameNet to describe other languages.

Keywords: path, direction, motion verb, FrameNet, semantic frame.

Citation: Imani, Z., Motavallian Naeini, R. (2020). The Study of Semantic Frames and the Way of Expressing Direction in Persian Motion Verbs: Case of “Come” and “Go”. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (30), 1-11. (In Persian)





بررسی قالب‌های معنایی و روش‌های بیان جهت در فعل‌های حرکتی فارسی: آمدن و رفتن

زلفا ایمانی^۱، رضوان متولیان نائینی^۲✉

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ۲- استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر، با تمرکز بر دو مسیر بالا و پایین و ترکیب این دو با فعل‌های حرکتی رفتن و آمدن، کوشیده است تا قالب‌های معنایی فعل‌های ساخته‌شده از این دو مسیر را در دو زبان فارسی و انگلیسی با یکدیگر مقایسه کند و به این ترتیب، کارایی پایگاه شبکه قالبی را برای توصیف زبان فارسی بررسی نماید. بدین منظور، تعداد (۱۲۰) جمله شامل فعل‌های مسیرنمای پیش‌گفته از پیکره اصلی بی‌جن‌خان استخراج و سپس سعی شد با استفاده از پایگاه شبکه قالبی، قالب‌های معنایی هرکدام از این افعال با معادل انگلیسی آن مقایسه شود. در نهایت نگارندگان با مقایسه قالب‌ها به این نتیجه رسیدند که شبکه قالبی برای آن‌دسته از فعل‌های مسیرنمای فارسی که مسیر یا جهت را در قید پیشوندی فعل کدگذاری می‌کنند، قالب متفاوتی با معادل انگلیسی آن دارد؛ از سوی دیگر، در نوشتار پیش رو به روابط استعاری این افعال با قالب‌های معنایی دیگر نیز اشاره شد و به‌طور کلی این نتیجه به‌دست آمد که زبان ویژه‌بودن این نوع رابطه و همچنین بازنمود نحوی متفاوت افعال و کدگذاری مختلف جهت در آن‌ها، بیان‌گر لزوم در نظر گرفتن تفاوت‌های زبانی به‌منظور کارایی بیشتر شبکه قالبی برای توصیف زبان‌های دیگر است.

کلیدواژه‌ها: مسیر، جهت، فعل حرکتی، شبکه قالبی، قالب معنایی.

استناد: ایمانی، زلفا؛ متولیان نائینی، رضوان (۱۳۹۹). بررسی قالب‌های معنایی و روش‌های بیان جهت در فعل‌های حرکتی فارسی: آمدن و

رفتن. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۸ (۳۰)، ۱-۱۱.



۱- مقدمه

یکی از مفاهیمی که در علوم مختلف از جمله فیزیک، ریاضی و زبان‌شناسی، تعاریف گوناگون و در عین حال مرتبط با یکدیگری دارد؛ مفهوم حرکت است. در علم فیزیک، حرکت دو نوع وضعی و انتقالی دارد و در زبان‌شناسی و به‌ویژه در علوم شناختی، منظور از حرکت، جابه‌جایی در مسیر از نقطه مبدأ به نقطه مقصد است. تالمی^۱ (۲۰۰۰) حرکت را رویدادی می‌پندارد که چهار مؤلفه اصلی و دو مؤلفه فرعی دارد. مؤلفه‌های اصلی حرکت شامل پیکر، زمینه، مسیر و حرکت است و در هر رویداد حرکتی، مسیر مؤلفه‌ای است که همواره حضور دارد؛ به عبارت دیگر، چنانچه مسیر نباشد، یا در واقع مسیری طی نشود، حرکتی هم رخ نداده است. منظور از پیکر، شخص یا جسمی است که با اراده خود یا نیرویی خارجی، مسیر را از نقطه مبدأ تا نقطه مقصد می‌پیماید و زمینه، مکانی است که پیکر با آن در تماس است. مؤلفه حرکت همواره در فعل جمله نمود می‌یابد و هر چهار مؤلفه پیش‌گفته روی هم‌رفته رویداد حرکت را پدید می‌آورند. به‌منظور روشن‌تر شدن مطلب، رویداد حرکتی معروف تالمی در مثال (۱) بیان شده است:

1) The bottle moved into the cove.

در جمله (۱)، عبارت *The bottle* باز نمود پیکر و فعل حرکتی *moved* دربرگیرنده مؤلفه حرکت است که بیان‌گر جابه‌جایی پیکر در امتداد مسیری است که با *into* مشخص و به *the cove* که زمینه است ختم شده است. لازم است گفته شود که چنین نیست که مؤلفه زمینه همیشه مقصد حرکت باشد؛ گاهی زمینه همان مکانی است که پیکر با آن در تماس است. این تماس گاهی با سطح صاف و متحرکی همچون میز و گاهی با سطح ناصاف و ثابتی همچون زمین است. نمونه‌های (۲) و (۳) مثال‌های دیگری از بازنمایی مؤلفه‌های پیکر و زمینه در دو رویداد حرکتی مختلف همچون *گذاشتن* و *افتادن* است که به ترتیب با دو فعل حرکتی *fell* و *lay* نشان داده شده است:

2) The pen lay on the table.

3) The pen fell off the table.

در مثال (۲) و (۳) عبارت *The pen* باز نمود پیکر و عبارت *the table* باز نمود زمینه است با این تفاوت که در مثال (۲)، مسیر حرکت با *on* و در مثال (۳) همین مؤلفه با *off* نشان داده شده است. ضمن اینکه فعل *fall* در مفهوم خود مؤلفه مسیر/ جهت^۲ را که به سوی پایین است، دربر دارد.

در خصوص مؤلفه‌های فرعی حرکت، تالمی (۲۰۰۰) دو مؤلفه شیوه^۱ و علت^۲ را معرفی می‌کند. براساس رده‌شناسی دوگانه^۳ او، زبان‌های دنیا بر مبنای دو مؤلفه مسیر و شیوه در دو طبقه فعل‌بنیاد^۴ و قمربنیاد^۵ قرار می‌گیرند (تالمی، ۲۰۰۰)، با این حال، این مؤلفه مسیر است که شاخص اصلی این تمایز واقع می‌شود و شیوه یک مؤلفه فرعی تلقی می‌گردد؛ افزون بر این، همان‌گونه که نمونه‌های (۱) تا (۳) نشان می‌دهد، حرکت بدون حضور مؤلفه‌های شیوه و جهت نیز همچنان رویداد حرکتی کاملی به‌شمار می‌آید.

در زمینه بررسی افعال حرکتی فارسی، این موضوع همواره مورد توجه زبان‌شناسان شناختی و به‌ویژه رده‌شناسان زبان بوده است (سیدان، ۱۳۹۸؛ اسلامی‌پور و شرف‌زاده، ۱۳۹۸؛ شاه‌حسینی و دیگران، ۱۳۹۶؛ اخوان و دیگران، ۲۰۱۷؛ حامدی شیروان و شریفی، ۱۳۹۳؛ مسگرخویی، ۱۳۹۲؛ گلفام و دیگران، ۱۳۹۲؛ ازکیا، ۱۳۹۱؛ فیض‌آبادی و پادو، ۲۰۱۲؛ بابایی، ۲۰۱۱؛ عموزاده و سلطانی، ۱۳۹۱). در برخی از این مطالعات، پژوهش‌گران با بررسی و مقایسه فعل‌های حرکتی در دو زبان فارسی و انگلیسی از دیدگاه شناختی و رده‌شناختی به این نتیجه رسیده‌اند که عناصر معنایی زبان فارسی در مقایسه با همین عناصر در زبان انگلیسی قمربنیادتر عمل می‌کنند و هریک از دو زبان یادشده، درباره رویکرد تالمی طبقه‌بندی خاص خود را دارد (اسلامی‌پور و شرف‌زاده، ۱۳۹۸) و برخی نیز بر این باورند که زبان فارسی دارای خصوصیات منحصر به فردی است که هردو ویژگی زبان‌های فعل‌بنیاد و قمربنیاد را باهم دارد (اخوان و دیگران، ۲۰۱۷) و حتی گروهی به این نتیجه رسیده‌اند که رده‌شناسی دوگانه تالمی برای زبانی همچون فارسی کفایت نمی‌کند؛ زیرا زبان فارسی جایگاهی بینابینی دارد که خود برخاسته از ویژگی‌های این زبان است که در برخی موارد ویژگی‌های زبان‌های فعل‌بنیاد و در برخی دیگر ویژگی‌های زبان‌های قمربنیاد را دارد (حامدی شیروان و شریفی، ۱۳۹۳).

با توجه به مطالعات صورت‌گرفته روشن است که تاکنون به بررسی قالب‌های معنایی این نوع افعال در چارچوب نظریه معنی‌شناسی قالبی (فیلمور^۶، ۱۹۷۷؛ الف؛ ۱۹۷۷؛ ب؛ ۱۹۸۲؛ ۱۹۸۵) کمتر توجه شده است. تنها در این خصوص می‌توان به پژوهش‌های معدودی از جمله صفری و رحمتی‌نژاد (۲۰۱۸) اشاره کرد که در آن دو فعل حرکتی *travelling* و *touring* با توجه به رویکرد معنی‌شناسی قالبی

1. manner
2. cause
3. verb-framed languages
4. satellite-framed languages
5. C. J. Fillmore

بررسی شده است. پژوهش دیگری که در راستای بررسی قالب‌های معنایی فعل‌های حرکتی فارسی انجام شده، پژوهش ایمانی و متولیان (در دست چاپ) است که در آن قالب‌های معنایی فعل‌های شیوه‌نمای فارسی بررسی شده است.

به‌منظور برداشتن گامی در راستای رفع این کاستی، در پژوهش حاضر با تمرکز بر دو مسیر بالا و پایین و ترکیب این دو با فعل‌های حرکتی رفتن و آمدن، می‌کوشیم قالب‌های معنایی فعل‌های ساخته‌شده از این دو مسیر را در دو زبان فارسی و انگلیسی با یکدیگر مقایسه کنیم. در نگاه کلی نوشتار پیش رو درصدد یافتن پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا واژه‌های یکسان مانند ترکیب دو فعل حرکتی رفتن و آمدن با دو مسیر بالا و پایین در زبان‌های مختلف (فارسی و انگلیسی) قالب‌های یکسانی دارند یا باید با در نظر گرفتن باز نمود ساختار نحوی این افعال و کدگذاری متفاوت جهت در آن‌ها قالب معنایی متفاوتی برایشان در نظر گرفت؟

در این راستا ابتدا در بخش دوم به اختصار نظریه معنی‌شناسی قالبی (فیلمور، ۱۹۷۷ الف؛ ۱۹۷۷ ب؛ ۱۹۸۲؛ ۱۹۸۵) که پایه و اساس شکل‌گیری شبکه قالبی و چهارچوب نظری جستار حاضر است، معرفی می‌شود. در بخش سوم، روش اتخاذشده در گردآوری، مقایسه و تحلیل داده‌ها به تفصیل بیان می‌شود. بخش چهارم، یافته‌های پژوهش را در جدولی به تصویر کشیده به تحلیل و مباحثه پیرامون هر جدول و مقایسه قالب‌های به‌دست‌آمده می‌پردازد و در بخش پنجم که بخش پایانی مقاله است، نتایج حاصل از این بررسی و مقایسه مطرح می‌شود.

۲- معنی‌شناسی قالبی و راه‌اندازی شبکه قالبی

نظریه معنی‌شناسی قالبی ریشه در نظریه دستور حالت فیلمور دارد؛ به عبارت دیگر، نظریه دستور حالت که فیلمور آن را در سال (۱۹۶۸) مطرح کرد؛ بعدها تاجایی گسترش یافت که به صورتی تکامل یافته نظریه معنی‌شناسی قالبی نام گرفت (فیلمور، ۱۹۷۷؛ ۱۹۸۲؛ ۱۹۸۵).

فیلمور و اتکینز^۱ (۱۹۹۴) اهمیت نظریه معنی‌شناسی قالبی را در آثار علمی گوناگون خود که به توصیف واژگانی و فرهنگ‌نگاری مربوط می‌شد، تبیین کردند. براساس نظریه پیش‌گفته، معنای هر واژه در زبان بر مبنای قالب‌های معنایی آن قابل درک است و منظور از قالب معنایی، توصیف رویدادها، مشارک‌های حاضر در رویداد و روابط موجود میان اجزای رویداد است؛ به عبارت دیگر، باز نمود قالب‌های معنایی واحدهای واژگانی است که همراه با قالب معنایی مرتبط به خود در شبکه قالبی درج

شده است. شبکه قالبی (<https://framenet.icsi.berkeley.edu/fndrupal>) خود طرح پژوهشی و منبع واژگانی‌ای است که به کوشش چند تن از اعضای دانشگاه برکلی در سال (۱۹۹۷) ایجاد شده است. این شبکه شامل مقوله‌های دستوری اسم، صفت و فعل است که هر یک واحدهای واژگانی متعددی دارند. در این شبکه برای هر واحد واژگانی، قالب معنایی آن، تعریفی از آن قالب، عناصر قالبی اصلی و فرعی^۱ و روابط قالب به قالب^۲ ارائه شده است؛ برای نمونه با جستجوی فعل *move* در پایگاه شبکه قالبی، جدولی مشتمل بر هشت واحد واژگانی ظاهر می‌شود که در کنار هر کدام مقوله دستوری آن مشخص و درمقابلش، قالب معنایی مرتبط با آن تعریف شده است. جدول (۱) فعل *move* را که یک واحد واژگانی است؛ همراه با یکی از قالب‌های معنایی آن (قالب حرکت) نمایش می‌دهد:

جدول (۱). قالب‌های معنایی فعل *move* در زبان انگلیسی

Lexical Unit	Semantic Frames	Core Frame Elements	Non-Core Frame Elements
Move (v.)	Motion	Area, Direction, Distance, Goal, Path, Theme	Carrier, Containing-event, Degree, Depictive, Duration, Frequency, Iterations, Manner, Path-shape, Place, Purpose, Result, Speed, Time

با توجه به جدول (۱)، واحد واژگانی *move* با قالب معنایی حرکت دارای شش عنصر قالبی اصلی (*Path, Goal, Distance, Direction*) و چهارده عنصر قالبی فرعی است. لازم است گفته شود که پس از وارد کردن فعل *move* در کادر جست‌وجو و کلیک بر دکمه *search*، افزون بر *move* به مثابه مقوله‌ای فعلی، واحدهای واژگانی دیگری همچون *move back* و *move up* نیز ظاهر می‌شود که هر کدام قالب معنایی خاص خود را همراه با عناصر قالبی اصلی و فرعی مختص آن قالب دربر دارد؛ برای مثال، می‌توان به *move back* اشاره کرد که مقوله دستوری آن فعل و قالب معنایی تعریف شده برای آن، قالب تغییر زمان رویداد^۳ است.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر استخراج داده‌ها از پیکره فارسی بی‌جن‌خان انجام شده، دربرگیرنده (۱۲۰) جمله شامل فعل‌های مسیرنمای مرکب است که بخش غیر فعلی آن را پیشوند قیدی *بالا* و *پایین* و بخش فعلی یا همکرد آن را دو فعل حرکتی رفتن و آمدن تشکیل می‌دهد. به منظور دستیابی به بافت کاربردی هر یک از فعل‌های مرکب پیش گفته از نسخه اصلی پیکره بی‌جن‌خان

1. core and non-core Frame Elements
2. frame-frame Relations
3. change-event-time

استفاده شد؛ به این ترتیب که پس از جستجوی دو واژه بالا و پایین، از میان تمام عبارات‌های موجود، جمله‌هایی که دارای دو فعل آمدن و رفتن در ترکیب با دو جهت بالا و پایین بود، انتخاب و یادداشت شد؛ سپس از میان ترکیب‌های فعلی با معانی کاملاً یکسان، تنها یک مورد انتخاب شد تا از تکرار آن پرهیز شود و پس از آن معادل انگلیسی هر فعل در فرهنگ فارسی به انگلیسی آریانپور و آریانپور (۱۳۸۶) جست‌وجو و در پایگاه شبکه‌ی قالبی به‌منظور دسترسی به قالب‌های معنایی آن وارد و قالب‌های مرتبط با هر فعل در جدولی یادداشت شد و در انتها، مقایسه و تحلیل صورت گرفت.

۴- یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

این بخش شامل جمله‌هایی است که دربرگیرنده فعل‌های حرکتی مرکب بالا رفتن، بالا آمدن، پایین رفتن و پایین آمدن است. جمله‌های (۴) تا (۱۵) که از میان (۱۲۰) جمله مستخرج از پیکره بی‌جن خان براساس مفاهیم مختلفی که هر چهار فعل یادشده در بافت‌های گوناگون دارند، انتخاب شده، ترکیب‌های ساخته‌شده از دو فعل آمدن و رفتن را با دو جهت بالا و پایین نمایش می‌دهد و جدول (۲) معادل انگلیسی این فعل‌ها را همراه با قالب‌های معنایی هریک به‌تصویر می‌کشد:

- (۴) از تپه پایین رفت. (۱۰) قدرت خرید کارگران بالا رفت.
 (۵) حاج تقی از نردبان پایین آمد. (۱۱) شدیداً بازده پایین آمد.
 (۶) بهای نفت بالا رفت. (۱۲) سطح سواد بالا رفته است.
 (۷) سطح آب دریا بالا آمد. (۱۳) مقدار قند خون بالا می‌رود.
 (۸) تولیدات از نظر کیفیت پایین می‌آید. (۱۴) سن ازدواج بالا رفته است.
 (۹) آفتاب بالا آمده بود. (۱۵) درجه حرارت بدنش بالا رفت.

جدول (۲). قالب‌های معنایی فعل‌های حرکتی (۴) تا (۱۵)

واحد واژگانی	معادل انگلیسی	قالب معنایی	واحد واژگانی	معادل انگلیسی	قالب معنایی
۴	Go down	Motion	۱۱	Decrease	Change-position-on-a-scale
۵	Come down	Motion	۱۲	Increase	Change-position-on-a-scale
۶	Increase	Change-position-on-a-scale	۱۳	Rise/Increase	Motion-directional/Change-position-on-a-scale
۷	Rise	Motion-directional	۱۴	Rise	Motion-directional
۸	Decrease	Motion-directional	۱۵	Rise	Motion-directional
۹	Rise	Motion-directional			
۱۰	Increase	Change-position-on-a-scale			

در خصوص فعل‌های درج‌شده در جدول (۲)، گفتنی است که در شبکه قالبی، با جستجوی این چهار فعل مسیرنما به هیچ قالب معنایی‌ای دست نیافتیم. تنها در این شبکه، قالب معنایی برای افعال پیش‌گفته بدون حروف اضافه تعریف شده است؛ برای مثال، برای فعل حرکتی رفتن که معادل انگلیسی آن *go* است، قالب حرکت (*Motion*) مشخص شده که تنها به رویداد حرکت بدون مشخص کردن مسیر یا جهت آن اشاره می‌کند؛ حال آنکه این شبکه برای فعل *بالا رفتن* با معادل انگلیسی *go up* که در آن *بالا*، نشان‌دهنده جهت حرکت است، فاقد قالب معنایی است؛ زیرا فعل یادشده به منزله یک واحد واژگانی در شبکه قالبی درج نشده است. این موضوع از تفاوت دو زبان فارسی و انگلیسی در بازنمود نحوی این افعال و کدگذاری جهت ناشی می‌شود؛ به عبارت دیگر، نکته مهم این است که در زبان انگلیسی، دو عنصر *up* و *down* در ترکیب با دو فعل *come* و *go* حروف اضافه تلقی می‌شوند و نه جزء فعلی (*particle*) و از آنجاکه در شبکه قالبی برای فعل‌هایی که با حروف اضافه همراه می‌شوند، قالب مجزایی در نظر گرفته نشده است، در زبان انگلیسی این چهار فعل ذیل قالب حرکت قرار می‌گیرند و حروف اضافه *up* و *down* به همراه گروه اسمی پس از آن به‌مثابه عنصر قالبی اصلی جهت (*direction*) در نظر گرفته می‌شوند؛ برای نمونه در مثال زیر *go* دارای قالب حرکت و گروه حرف اضافه‌ای *up the step* به‌مثابه عنصر اصلی جهت در این قالب لحاظ می‌شود.

16) GO up the steps to see the Sculpture.

درواقع تنها هنگامی که این عناصر به‌منزله جزء فعلی به‌همراه فعل باشند، این افعال در شبکه قالبی دارای قالبی مجزا خواهند بود؛ همانند فعل عبارتی *move up* که دارای قالب تغییر زمان رویداد *Change-event-time* است. همان‌طور که در مثال زیر مشخص است، این معنا کمترین ارتباطی با مفهوم حرکتی فعل دارد.

17) They moved up the meeting an hour.

این درحالی است که در زبان فارسی، دو جهت *بالا* و *پایین*، قیود پیشوندی به‌شمار می‌آیند و در ترکیب با فعل‌های رفتن و آمدن، فعل مرکب تشکیل می‌دهند (مانند مثال‌های ۴ تا ۱۵). گفتنی است در زبان فارسی، جهت به سه شکل متفاوت بیان می‌شود. در روش اول مؤلفه جهت در خود فعل کدگذاری نمی‌شود؛ بلکه با عنصر غیر فعلی که همان قمر است، بیان می‌شود. این عنصر غیر فعلی می‌تواند پیشوند قیدی باشد؛ مانند جهت‌های *پایین* و *بالا* در فعل‌های *بالا رفتن*، *بالا آمدن*، *پایین رفتن* و *پایین آمدن* یا دارای مقوله دیگری مانند اسم باشد؛ همچون *صعود کردن*، *نزول کردن*، *شیرجه رفتن* و

سرازیر شدن. در مورد دسته اول، همان‌طور که اشاره شد؛ برای معادل انگلیسی این افعال، قالب جداگانه‌ای در شبکه قالبی در نظر گرفته نشده و این افعال ذیل قالب کلی حرکت قرار گرفته‌اند. حال آنکه شبکه قالبی برای افعال دسته دوم که معادل انگلیسی‌شان به ترتیب *Plunge, Descend, Rise* و *Plummet* است، قالب معنایی حرکتی جهتی (*Motion-directional*) را پیشنهاد کرده که خود گویای جهت‌نمابودن این فعل‌ها به صورت ذاتی است. بدیهی است که افعال دسته اول در زبان فارسی باید برخلاف معادل انگلیسی آن‌ها دارای قالب حرکتی - جهتی فرض شوند.

در شیوه دوم که به نظر می‌رسد در زبان فارسی بسامد کمتری داشته باشد، جهت در خود فعل کدگذاری می‌شود به این معنا که جهت حرکت را خود فعل و نه عنصر دیگری جز آن بیان می‌کند؛ مانند فعل *افتادن* و معادل انگلیسی آن *fall* که هر دو این فعل‌ها دارای قالب معنایی حرکتی - جهتی هستند.

در شیوه سوم، جهت با گروه حرف اضافه‌ای که نقش موضوع را در جمله ایفا می‌کند، بیان می‌شود مانند *او بالای کوه رفت*. در این جمله بالای کوه به مثابه عنصر قالب اصلی فعل حرکتی رفتن، برچسب جهت دارد.

نکته دیگری که در زمینه موارد ذکر شده در جدول (۲) وجود دارد این است که در بیشتر موارد، به استثنای دو مورد (۴) و (۵)، فاعل یا همان پیکر، عنصری غیر جاندار است و از این رو، فعل حرکتی مرتبط با آن‌ها به طور عمده با *Rise* و *Increase* در زبان انگلیسی معادل است. ضمن اینکه قالب معنایی پیشنهادی از سوی شبکه قالبی برای تمام فعل‌ها به استثنای فعل *Increase* یا قالب حرکت *Motion* است یا قالب حرکتی - جهتی *Motion-directional*؛ بنابراین افعال حرکتی یا با فاعل جاندار همراه می‌شوند و بر حرکت واقعی و فعال^۱ دلالت دارند (مانند جملات ۴ و ۵)، یا با فاعل غیر جاندار به کار می‌روند که در این صورت، گاهی موجود بی‌جان بدون آنکه کنترلی بر حرکت خود داشته باشد، حرکت می‌کند (و حرکت از نوع غیر فعال^۲ است (مانند جملات ۷ و ۹)^۳.

گفتنی است که درباره این موارد با تغییر اساسی قالب معنایی روبه‌رو نیستیم و همچنان فعل دارای قالب حرکت یا قالب حرکتی - جهتی است (که از قالب حرکت ارث‌بری دارد)؛ اما در برخی موارد

1. active
2. passive

۳- گاهی نیز تنها برای موجود بی‌جان که هیچ حرکتی ندارد، نوعی حرکت تصور می‌کنیم مانند جمله *این جاده تا قلعه کوه بالا می‌رود* که جاده در این جمله دارای حرکتی خیالی (*fictive motion*) فرض شده است.

همراهی فعل با فاعل غیر جاندار سبب تغییر کلی قالب معنایی است مانند جمله (۶) که در آن رابطه استعاری بین قالب مبدأ (حرکتی - جهتی) و قالب مقصد (تغییر وضعیت بر مقیاس Change-position-on-a-scale) برقرار است. در واقع، این قالب به نوعی دربرگیرنده رویداد حرکت است. متغیری همچون بهای نفت که در اینجا همان بیکر است، از نقطه مبدأ که نرخ استاندارد نفت در نظر گرفته می‌شود حرکت را آغاز کرده، مسیری را می‌پیماید و به مقصد می‌رسد.

طول این مسیر همان مقیاس یا Scale است که در قالب فعل Increase به آن اشاره شده است. ضمن اینکه این مسیر در قیمت نفت و سایر موارد مانند کیفیت تولیدات، مقدار قند خون و... به صورت عمودی و در امتداد بالا - پایین است؛ به عبارت دیگر، قالب تغییر وضعیت بر مقیاس که برای فعل Increase از سوی شبکه قالبی مطرح شده، می‌تواند برای افعال حرکتی فارسی در جملات اشاره شده (که دارای قالب مبدأ حرکتی - جهتی هستند) به مثابه قالب مقصد عمل کند و بین این دو قالب رابطه استعاری برقرار شود. گفتنی است رابطه استعاری بین قالب‌ها زبان - ویژه است و الزاماً رابطه تعریف‌شده پیش‌گفته در زبان انگلیسی وجود ندارد.

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر قالب‌های معنایی فعل‌های ساخته‌شده از دو مسیر بالا و پایین و فعل‌های حرکتی رفتن و آمدن در دو زبان فارسی و انگلیسی با یکدیگر مقایسه شد و این نتیجه به دست آمد که در این دو زبان، این افعال در شبکه قالبی دارای قالب‌های معنایی متفاوتی هستند. به طوری که در زبان فارسی این افعال ذیل قالب حرکتی - جهتی و در زبان انگلیسی ذیل قالب حرکت قرار می‌گیرند. همان‌طور که اشاره شد، این موضوع از تفاوت دو زبان فارسی و انگلیسی در بازنمود نحوی این افعال و کدگذاری جهت ناشی می‌شود؛ به عبارت دیگر در زبان انگلیسی، دو عنصر *up* و *down* در ترکیب با دو فعل *go* و *come* حروف اضافه تلقی می‌شوند و نه جزء فعلی و به همین علت در شبکه قالبی برای آن‌ها قالبی مجزاً در نظر گرفته نشده است و همگی ذیل قالب حرکت قرار می‌گیرند؛ به این ترتیب جهت در این افعال در زبان انگلیسی در موضوع فعل و به صورت گروه حرف اضافه‌ای بیان می‌شود؛ در حالی که در زبان فارسی جهت در افعال اشاره‌شده، در پیشوند قیدی یا قمر کدگذاری می‌شود؛ افزون بر این، در نوشتار پیش رو به روابط استعاری بین قالب حرکتی - جهتی با قالب‌های دیگر در افعال پیش‌گفته اشاره شد. نتیجه آنکه با وجودی که به طور کلی قالب‌های معنایی تعریف‌شده در شبکه معنایی برای زبان فارسی نیز کارایی دارد، لازم است برای تعریف و تشخیص دقیق قالب‌های معنایی افعال حرکتی،

بازنمود نحوی و شیوه‌های کدگذاری جهت مدّ نظر قرار گیرد؛ همچنین با توجه به زبان – ویژه‌بودن روابط استعارای بین قالب‌ها، لحاظ کردن این تفاوت در راه‌اندازی شبکه‌ی قالبی برای زبان‌های دیگر بسیار مهم است.

منابع

- آریانپور، عباس و منوچهر آریانپور (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی – انگلیسی جیبی آریانپور. تهران: امیرکبیر.
- ازکیا، ندا (۱۳۹۱). واژگانی‌شدگی در فعل‌های حرکتی فارسی: الگویی تازه. *زبان و زبان‌شناسی*، ۸ (۱۵)، ۸۳-۱۰۴.
- اسلامی‌پور، نجمه و محمدحسین شرفزاده (۱۳۹۸). مقایسه افعال حرکتی در دو زبان فارسی و انگلیسی از دیدگاه شناختی و رده‌شناختی. *زبان پژوهی*، ۱۱ (۳۱)، ۲۲۳-۲۴۶.
- حامدی شیروان، زهرا و شهلا شریفی (۱۳۹۳). بررسی رده‌شناختی مقوله «قمر» در ساخت رویدادی افعال حرکتی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۵ (۱۸)، ۷۱-۸۹.
- سیدان، الهام (۱۳۹۸). بررسی افعال حرکتی در شرح شطحیات روزبهان بقلی با رویکردی شناختی. *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۱۱ (۴۱)، ۱۰۹-۱۲۵.
- شاه‌حسینی، فائقه؛ بلقیس روشن؛ نرجس بانو صبوری و آرزو نجفیان (۱۳۹۶). بررسی گذرایی فعل‌های حرکتی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، (۷)، ۱۱۷-۱۳۶.
- عموزاده، محمد و رضا سلطانی (۱۳۹۱). رویکردی شناختی به چندمعنایی: مطالعه موردی فعل حرکتی «آورن». *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی معناشناسی (به‌کوشش سپیده عبدالکریمی)*، (صص ۲۳۳-۲۵۶). تهران: نشر نویسه پارسی.
- گلغام، ارسلان؛ آریتا افراشی و غزاله مقدم (۱۳۹۲). مفهوم‌سازی افعال حرکتی بسیط زبان فارسی: رویکردی شناختی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱ (۳)، ۱۰۳-۱۲۲.
- مسگرخویی، مریم (۱۳۹۲). بازنمود مسیر در افعال حرکتی فارسی. *دستور (ویژنامه فرهنگستان)*، (۹)، ۷۴-۹۲.

References

- Akhavan, N., N. Nozari & T. Goksun. (2017). Expression of motion events in Farsi. *Language Cognition and NeuroScience*, 32 (6), 792-804.
- Babai, H. (2011). Lexicalization of motion event in Persian. In: *Theory and Practice in Language Studies*, 1 (2). February 2011.
- Feizabadi, P. S. & Pado, S. (2012). Automatic identification of motion verbs in WordNet and FrameNet. *Proceedings of KONVENS*, Vienna, September 19, 70-79.
- Fillmore, C. J. (1968). The case for case. In: P. Cole, & J. Sadock (Eds.), *Syntax and semantics 8: Grammatical Relations*, (pp. 59-81). New York: Academic Press.

- (1977 a). The case for case reopened. In: P. Cole & J. Sadock (Eds.), *Syntax and Semantics 8: Grammatical Relations*, (pp. 59-81). New York: Academic Press.
- (1977 b). Scenes-and-frames semantics. In: A. Zampoli (Ed.), *Linguistic Structures Processing (Fundamental Studies in Computer Science 5)*, (pp. 55-81). Amsterdam: North Holland.
- (1982). Frame semantics. The Linguistic Society of Korea: *Linguistic in the Morning Calm*, 65-173.
- (1985). Frames and the semantics of understanding. *Quaderni di Semantica* 6, 222-254.
- & Atkins, B. T. S. (1994). "Starting where the Dictionaries stop: The challenge for Computational Lexicography," In: B. T. S. Atkins, & A. Zampolli (Eds.), *Computational Approaches to the Lexicon*, (pp. 349-393). Oxford: Oxford University Press.
- Imani, Z. & R. Motavallian (N.D.). Motion verbs of manner in FrameNet: A comparison between Persian and English. *Kervan-International Journal of Afro-Asiatic Studies*, 1 (24), 2020.
- Safari, A. & L. Rahmatinejad (2018). Frame semantics: Applying FrameNet principles to "touring" and "travel" semantic frames in Persian. *Biannual Journal of Applications of Languages Studies (JALS)*, 1 (1), 59-76. Autumn & Winter 2017-2018.
- Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics*. Vol. II. Cambridge: MIT Press.

